

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان  
نهم اکتوبر ۲۰۰۲

## قسم است

دل شده مایلِ خوبان و به خوبان قسم است  
فکر و اندیشهٔ جانان و به جانان قسم است  
تار و پودم به خدا سوخت ، ز برقِ نگاهش  
مرهم و زخمی - پیکان و به پیکان قسم است  
تا که افتاد ، به محرابِ جمالش نظرم  
بِرَبُّود از کفم ایمان و به ایمان قسم است  
آخر از نعرهٔ تکبیرِ قیامش به جهان  
ز آذان کمر شده آذان و به آذان قسم است  
سر تسلیم و رضا ، در قدمش بهرِ فدا  
آرزوی همه قربان و به قربان قسم است  
شربتِ وصلِ چشیدم ز جمالِ صنمی  
که شدم کافرِ قرآن و به قرآن قسم است  
بعد ازین مسجد و دیر و به کلیسا نروم  
زانکه از حلقهٔ مستان و به مستان قسم است  
حال در معبدِ عشاق که بد نام شدم  
نکسَلَم رشتۀ پیمان و به پیمان قسم است

بیکس و کوی ، که افتاده به غربتکده ای  
مونسِ جان ، غمِ هجران و به هجران قسم است  
به خدا این غمِ هجران ، عوض می نکنم  
به دو لک حوری و غلمان و به غلمان قسم است  
لایقِ هر کس و ناکس نشود سوزشِ عشق  
عاشقان یکسره سوزان و به سوزان قسم است  
« نعمتا » ، خاکِ ره آنکه شدی خادمِ او  
بکشم سرمه به چشمان و به چشمان قسم است